

## تحلیل ترجمه های کتاب دوبلینی ها بر اساس مدل هاوس

اکرم هاشمی<sup>۱</sup>

### چکیده

کتاب دوبلینی ها نوشته جیمز جویس (۱۸۸۲-۱۹۴۱م) که توسط چندین مترجم به فارسی برگردانده شده که در این تحقیق ترجمه های آقایان پرویز داریوش و نادر شیخ زادگان ترجمه های آنان به روش های کیفی و توصیفی مورد بررسی قرار میگیرند. این کتاب شامل ۱۵ داستان کوتاه است که به داستان اولین (Eveline) براساس نظریه هاوس که یک الگوی کیفی برای ارزیابی کیفیت ترجمه است، می پردازد. در این قسمت آقای داریوش تحت اللفظی ترجمه کرده و به کلمه های جدید توجه نکرده اند. در قسمت های دیگر نیز به همین صورت می باشد. لحن و سبک پرویز داریوش قدیمی است و کلمه هایی که استفاده کرده برای زمان حال نیست ولی شیخ زادگان امروزی تر ترجمه کرده است. به نظر می رسد متن بطور غیر تلو یحی ترجمه شده و حتی قسمت هایی از متن ترجمه نشده است. در حالیکه آقای شیخ زادگان از سبک حس و معنی نماند، که این روش به معنی حس و معنی سازی برای ترجمه می باشد استفاده کرده، در حالی که آقای داریوش از ترجمه آشکار استفاده کرده و سعی داشته تحت اللفظی ترجمه کند. نگارنده مقاله بر آن است تا با ارائه مثال هایی از داستان های کتاب «دوبلینی ها» و شیوه های استفاده جویس استراتژی های نظریه هاوس را، بررسی و تبیین نماید.

**کلید واژه ها:** دوبلینی ها، تحت اللفظی، آشکار، پنهان، کیفی، مدل هاوس

۱- استادیار دانشکده زبان های خارجی و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن (نویسنده مسئول).

akram.hashemi2013@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۴/۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۵/۹

## ۱. مقدمه

جیمز آگوستین آلویسیوس در سوم فوریه سال ۱۸۸۲ در دوبلین ایرلند زاده شد، او در مدرسه و دانشگاه دانش آموز با استعدادی بود. جیمز جویس با ۱۳ زبان آشنایی داشت و به زبان ایتالیایی و فرانسوی و انگلیسی مسلط بود به گونه‌ای که تمامی آثارش را به زبان انگلیسی نوشته است. اولین اثر او مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاهی به نام «دوبلینی‌ها» است که در باره‌ی زادگاه او و مردمانش است. به عقیده‌ی بسیاری سومین اثر او یعنی رمان اولیس، او را بزرگترین نویسنده‌ی ایرلندی قرن بیستم کرده است. این کتاب از نظر فرم و محتوا به خوبی درهم تنیده است و با چیدمان ویژه‌ی کلمات علاوه بر آهنگین کردن نثر کتاب محتوای آن نیز با فرم واژه‌ها انتقال می‌دهد. این اثر در چهل سالگی جویس در پاریس منتشر شد. او جزو نخستین کسانی بود که به شیوه‌ی جریان سیال ذهن نویسنده‌ی می‌کرد. پس از سی سالگی زادگاهش را ترک کرد و در شهرهای مختلفی مثل پاریس و زوریخ ساکن شد. بخش زیادی از زندگی او دور از وطن گذشت با این حال قلب و ذهن او معطوف به زادگاهش بود و شخصیت‌های داستان‌هایش برگرفته شده از میان نزدیکان و افراد پیرامونش بود. او همواره درصدد براندازی بی‌فرهنگی و فرومایگی در زادگاهش بود. سرانجام در ۱۳ ژانویه ۱۹۴۱ درگذشت. از آثار او میتوان به موسیقی مجلسی، پرتره‌ای از مرد هنرمند در جوانی، اولیس، رستاخیز فینگان، دوبلینی‌ها، مروری بر آثار و اندیشه اشاره کرد (Brodbar, 1961).

دنیای جیمز جویس دنیای ابهام و رمز و در عین حال ایده‌های خارق العاده است. جیمز جویس را می‌توان یکی از نقاط عطف تاریخ ادبیات دانست. او رمان نویسی را با ساختارهای جدیدی روبرو کرده و این ساختارها تا کنون نیز به عنوان مکتب ادبی جیمز جویس در جهان پاینده و استوار است. جیمز جویس همچنین تسلط بالایی به آثار طراز اول ادبیات دارد. اگر بخواهیم از نگاه فردی به این شخصیت‌ها نگاه کنیم باید بگوییم که: ویژگی‌های فردی هر شخصیت داستان، گذشته‌ی او، روابطش با دنیای بیرون، مشکلات و موقعیت اجتماعی و وضعیت کنونی‌اش از طریق فن نوین و آزمایشی روایت سیال ذهن، که با عبارت‌هایی چون افکار به زبان نیامده، افکار بی‌تصویر، تک‌گویی درونی، باخودگویی و یا حتی خیال‌بافی نام‌گذاری شده‌اند، به آسانی در اختیار خواننده قرار می‌گیرد. همچنین می‌توان درونمایه‌ی ذهنی جیمز جویس را مواردی چون روزمرگی، جدال‌های شخصی و... داشت.

## تحلیل ترجمه‌های کتاب «دوبلینی‌ها» براساس مدل هوس \\\ ۱۴۵

جیمز جویس همچنان در رده‌ی برترین نویسندگان تاریخ ادبیات قرار گرفته است. خوانش آثار جیمز جویس به ما درکی از دنیای پر رمز و راز ادبیات می‌دهد. این دنیای پر رمز و راز را نه تنها باید در دل آثار جیمز جویس بلکه باید در دل تلمیحات جیمز جویس نیز جستجو کرد. خوانش آثار جیمز جویس در کج جدیدی از نویسندگی به ما عطا خواهد کرد. کتاب‌های جیمز جویس یکی از بارزترین منابع آموزش نویسندگی است. برای آنکه جیمز جویس را بشناسیم راهی نداریم جز آنکه نگاهی به آثار او داشته باشیم.

یکی از مشهورترین آثار او مجموعه داستان دوبلینی‌هاست که شامل ۱۵ داستان است و توسط مترجم‌های مختلفی ترجمه شده است. که از جمله می‌توان به پرویز داریوش و نادر شیخ زادگان اشاره کرد.

پرویز داریوش در روز ۴ اسفند ۱۳۰۱ ش در مشهد به دنیا آمد. تحصیلات خود را در تهران به پایان رساند. بعد از اخذ دیپلم در مدرسه نظام، برای تحصیلات عالی راهی آمریکا شد. مدتی در ادبیات انگلیسی، روانشناسی و فلسفه به تحصیل پرداخت و آن را نیمه‌کاره رها کرد. در سال ۱۳۲۸ به ایران بازگشت و در وزارت امور خارجه و اداره گمرک به عنوان مترجم آغاز به کار کرد. شروع فعالیت ادبی او را می‌توان از همان زمان دانست.

در مدرسه، همکلاس ایرج افشار، پژوهشگر و از بزرگان کتاب‌داری ایران بود و در سال‌های بعد نیز از صمیمی‌ترین دوستان و همکاران جلال آل احمد بود و مشترکاً آثاری چون مائده‌های زمینی اثر آندره ژید را به فارسی برگرداندند. بعضی از رمان‌های بزرگ ادبیات جهان را نیز او به فارسی برگردانده است. با مروری بر ترجمه‌های وی می‌توان به این نکته اشاره نمود که داریوش با ترجمه آثاری همانند خیزاب‌ها و خانم دالووی از ویرجینیا وولف، به خوانندگان فارسی زبان معرفی شد. پرویز داریوش در روز ۱۵ اسفند ۱۳۷۹ در بیمارستان ایرانمهر تهران درگذشت.

از ترجمه‌های پرویز داریوش می‌توان به فضیلت خودپرستی اثر آین راند، خانم صاحبخانه اثر داستایوسکی، یاد بیدار (یادی از صادق هدایت) اثر پرویز داریوش، سیمای مرد هنرمند در جوانی اثر جیمز جویس، دوبلینی‌ها اثر جیمز جویس، سیدارتا اثر هرمان هسه، اسپرلوس اثر هرمان هسه، ماجراهای تام سایر اثر مارک تواین، آوای وحش اثر جک لندن، ماه و شش پیشیز اثر سامرست موآم، داشتن و نداشتن اثر ارنست همینگوی، به راه خرابات در چوب تاک اثر ارنست همینگوی، موش‌ها و

۱۴۶ // فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و سوم

آدم‌ها اثر جان اشتاین بک، چمنزارهای بهشت اثر جان اشتاین بک، ماه پنهان است اثر جان اشتاین بک، مانده‌های زمینی اثر آندره ژید، عشق جاودانی است (۴ جلد) اثر لیوینگ استون، انجیل یهودا اثر هنریک پاناس، سرگذشت اندیشه‌ها اثر آلفرد نورث وایتهد اشاره کرد.

شخص دیگری که این کتاب را ترجمه کرده آقای نادر شیخ زادگان است که در مقدمه کتاب مادر و پنج داستان دیگر گفته این کتاب برای این گرد آوری شده که مترجمان قبل این داستان‌ها را ترجمه نکردند یا به صورت کامل این کار را انجام نداده‌اند. اسم این داستان‌ها عبارتند از مواجهه، ایولین، بعد از مسابقه، گل، یک حادثه دلخراش، مادر، رحمت. آقای پرویز داریوش نیز ۱۰ داستان را ترجمه کرده که داستان مشترک این دو کتاب ایولین می باشد.

چهارچوب نظریه پژوهش براساس مدل هاس و استراتژی‌های آن است. این مقاله براساس مدل هاوس به بررسی پرسش‌های این تحقیق در مورد این داستان توسط این دو مترجم می‌پردازد.

۱. مفاهیم ترجمه حوزه‌های مبدأ و پربسامدترین آن‌ها در ترجمه‌های هر دو ترجمه کدام است؟
۲. چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین ترجمه حوزه‌های مبدأ در داستان‌های دوبلینی‌ها برای هر دو مترجم وجود دارد؟

## ۲. خلاصه داستان EVELINE:

ایولین در دهم سپتامبر ۱۹۰۴ به چاپ رسید. ایولین دختر جوانی است که مادر و یک برادرش را از دست داده و با پدر بد اخلاقش زندگی سختی را می‌گذراند. او با ملوان جوانی که در آرژانتین خانه و زندگی مرفهی دارد آشنا می‌شود و تصمیم می‌گیرد که پنهانی با او ازدواج کند و به آرژانتین برود. ولی در آخرین لحظه قبل از سوار شدن به کشتی از تصمیم خود منصرف می‌شود و مانند حیوانی درمانده در جای خود آرام و بی‌احساس باقی ماند. این داستان کوتاه در مورد سختی‌ها و گذشته تاریک دختری به نام ایولین است که دردها و رنج‌های بسیاری تحمل کرده است.

ممکن است جوئیس اسم ایولین را از شعر توماس مور به نام الاچین ایولین گرفته باشد. بعضی‌ها هم معتقدند که به شوخی اشاره‌ای دارد به قهرمان یک رمان (Bennett, 1990).

## تحلیل داستان اوپلین

در این داستان، جوئیس به همان بی‌تحرکی و فلج حاکم بر جامعه اشاره می‌کند و اوپلین با وجود این که زندگی بسیار سختی را در تنهایی و بی‌کسی می‌گذراند، قادر نیست خود را از این زندگی یکنواخت و بی‌حاصل برهاند و زندگی مورد علاقه خود را بدست آورد. او تحت تاثیر مرگ مادرش قرار دارد و هنوز هم سایه مرگ در خانه احساس می‌شود.

جوئیس در هر یک از داستان‌های کتاب دوبلینی‌ها به یکی از دلایل فلج عمومی جامعه ایرلند می‌پردازد. در اوپلین نوستالژی نسبت به دوران کودکی و پیوندهای مذهبی ایرلند، عامل ایجاد کننده این فلج قلمداد می‌شود. این داستان با وجود کوتاه بودن بطور موجز اطلاعات زیادی درباره جامعه آن روز ایرلند می‌دهد، از جمله رابطه والدین و کودکان، زن و شوهر، دختر و پسر، روابط کارمندان و پیوندهای خانوادگی. مثلاً خشونت پدر و کتک زدن بچه‌ها و اینکه یک دختر نوزده ساله نمی‌تواند بدون اجازه پدرش ازدواج کند، روابط بین پدر و فرزندان را به خوبی نشان می‌دهد. درباره رابطه بین زن و شوهر درجایی می‌خوانیم: آن موقع دیگر مردم با احترام با او رفتار می‌کردند نه آن طور که با مادرش رفتار کرده بودند. و در جایی دیگر: تا اعماق وجود، خود را مسحور زندگی ترحم بار مادرش می‌دید، زندگی فداکاری‌های بی‌ارزش که به دیوانگی منتهی شده بود. این دو جمله کوتاه که در واقع شرح حال زندگی مادر جوئیس، زندگی زنان خانه‌دار ایرلند را نشان می‌دهد، که با وجود فداکاری‌های مختلف و تحمل سختی‌های زندگی، از هیچ حقی برخوردار نبودند:

کنار پنجره نشسته بود و شب را که به خیابان هجوم می‌برد تماشا می‌کرد. سرش را به پرده روی پنجره تکیه داده بود و بوی کتان غبار آلود را احساس می‌کرد. او خسته بود (جوئیس، ۱۳۷۲).  
خستگی او به خاطر کار در فروشگاه نیست؛ او از زندگی یکنواخت و بی‌حاصل خود خسته است. این خستگی الزاماً نشانه طغیان نیست، در واقع طغیان برای یک دختر نوزده ساله غیرقابل تحمل به نظر می‌رسد، چرا که او زندگی را مانند چیزی یا کسی که باید به او تسلیم شود می‌بیند. واژه‌های هجوم آوردن و تکیه دادن حاکی از این نگرش به زندگی است.

صنعت جناس در آثار جویس بسیار به کار می‌رود که البته حفظ این صنعت در ترجمه مشکل و گاه غیر ممکن است. مثلاً در جمله اول واژه‌های Eveline با avenue و envade، evening هم صدایی دارند.

گذشته پیشروی می‌کند و او را در برمی‌گیرد. او که در چنگال گذشته مرده گرفتار است و با پرده‌کثانی ماتم زده و غبار آلود احاطه شده است، به جز اینکه در خاطرات گذشته خود غرق شود کار دیگری نمی‌تواند بکند. توصیف وجود او در زمان و مکان با واژه‌های غرق شدن و احاطه شدن هماهنگی دارد و در آخرین صحنه، او را به یک خفقان ادبی می‌کشد و دچار فلج هراس انگیزی می‌کند. او صداها و بوها را با حساسیت ظریفی در خاطره خود دارد و عوامل بینایی و شنوایی، صحنه‌های گذشته را در ذهن او بیدار می‌کند.

این تجربه‌های دوران کودکی باعث تغییرات زیادی در محیط انسانی و غیر انسانی او شده است. یادآوری خاطرات گذشته، او را به مقایسه وضعیت کنونی و پیشین خود وا می‌دارد:

«همه چیز عوض می‌شود. حالا او هم مثل بقیه می‌خواست از این خانه برود». او واقعاً تمایلی به تغییرات شدید ندارد. خواستار بازگشت امنیت گرم دوره کودکی و حمایت‌های مادرش است. در نتیجه فقدان این آسایش مادرانه، نقش مادری خود را جستجو می‌کند.

پس از آشنا شدن با دنیای رویایی فرانک، برای روح مرده خود با آرزوها و رویاهای فریبنده جشن می‌گیرد.

در واقع ایوبلین هم مانند کاف کوچولوی فلج توان حرکت و ایجاد تغییر در زندگی خود را ندارد. او هیچ (nix) است و نقشی در زندگی ندارد و تنها تماشاگر زندگی دیگران است. همانگونه که در اول داستان هم در حال تماشا کردن است.

ارگ شکسته: نشان دهنده تنبلی معنوی و علاقه ناکافی برای کامل بودن است. کشیش ناشناس نمایانگر شکست کلی پدر بودن، خدای بدون حق رای ایرلند، خائن فراری و متروک ایمان است. قول‌های مارگارت ماری آلاکوک مقدس، حاکی از قول‌هایی است که ایوبلین به فرانک داده ولی تحت تاثیر وحشت حیوانی به آن‌ها عمل نمی‌کند.

ایوبلین در کنار پنجره که نماد فرار است فکر می‌کند. گذشته را به یاد می‌آورد و با زمان حال مقایسه می‌کند. ویلیام بایش معتقد است که این داستان کاوشی است در هوس‌های معنوی، و

## تحلیل ترجمه‌های کتاب «یولینا» بر اساس مدل هوس ۱۴۹

آرزوهای جسورانه یک دختر و تصویری است از اثرات گناه اصلی که به شکل خودخواهی شهوانی نشان داده شده و شورش لجوجانه جسم بر ضد خواسته‌های روح. خصوصیات مردانه و شوالیه وار فرانک نقش نجات دهنده‌گی او را کامل می‌کند: «او کنار در ایستاده بود. کلاه لبه دار خود را عقب گذاشته و موهایش صورت آفتاب سوخته‌اش را پوشانده بود. تداعی‌های ساده و آرامش بخش در چهره او نقش می‌بندد. عشق ورزیدن او به ایولین، او را به طور خوشایندی گیج و خوشحال می‌کند» (Schleiermachers, 1993).

ارتباط فرانک با موسیقی او را به یک نیروی خلاق و نوساز تبدیل کرده و نوید می‌دهد که جای ارگ شکسته ایولین را بگیرد و برای او آینده‌ای شاد را تضمین کند. ترانه «عشق ملوان» که فرانک می‌خواند مانند آهنگ آکاردئون نواز که بر مرگ مادرش سایه افکنده است او را به یاد قول خود می‌اندازد که از خانه مواظبت کند و فکر فرار را کنار بگذارد. به نظر می‌رسد که مرگ، خود را به شکل نوازنده آکاردئون و قول‌های ایولین نشان می‌دهد. به یاد مخالفت‌های روزانه پدرش می‌افتد. با بدبختی‌های پدرش همدردی می‌کند. او اساساً مظهر حفظ اصول زنانه است. جمله " شب در خیابان فرو رفت " به نگرش او از پذیرش و تسلیم اشاره می‌کند. و به این واقعیت که خدمت کردن به پدر و مادر، نشان دهنده شخصیت اصلی او است.

دو نامه سفید خدا حافظی: به تدریج تاریک و غیر قابل دیدن می‌شوند که این حاکی از این نکته است که بر رفتن او هم سایه افتاده است. گریه و زاری مادر: نمایانگر صدای طولانی دریا و غرق شدن در آن است و پایان داستان را نوید می‌دهد. همچنین ماهیت دوگانه پیشنهاد فرانک را بیان می‌کند: آزادی، که برای مادرش به معنای مرگ است. ایولین همان شخصیت مادرش است که گویی دوباره زنده شده و فرصتی دیگر برای زندگی به دست آورده و همان راه را بر می‌گزیند.

تجربه او به تدریج که چهره اسرار آمیز فرانک تعریف می‌شود به اوج خود می‌رسد. ما هرگز فرانک را به طور مستقیم درک نمی‌کنیم بلکه تنها اثر یا تاثیر او را احساس می‌کنیم. وحشتی که در تمام لحظه‌ها همراه ایولین است باعث می‌شود که فرار او از خانه از محدوده اسکله فراتر نرود. دیوار و جمعیت داخل اسکله به مانند سدی در برابر او قرار می‌گیرند و او را به یاد وظیفه خود می‌اندازند و چنان دچار سر در گمی می‌کنند که حالش به هم می‌خورد. هیاهوی اسکله او

۱۱۵۰ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و سوم

را گیج می‌کند و احساس می‌کند که علاقه‌ای به فرانک ندارد. یک تصویر واضح تضاد بین از خود گذشتگی و خواسته‌های فردی او را تشدید می‌کند. ایولین نماینده ثبات و پرهیز از تغییر است، به ویژه هنگامی که توجه خود را از واقعیت‌های اطراف خود برمی‌گیرد و فکر خود را بر یک موقعیت امن و با ثبات متمرکز می‌کند. فرانک همچون یک نجات دهنده ظاهر نمی‌شود، بلکه نماد غرق کردن او است.

### مقایسه ترجمه دو مترجم:

در اولین جملات این داستان که به شرح زیر می‌باشد:

She sat at the window watching the evening invade the avenue. Her head was leaned against the window curtain and in her nostrils was the odour of dusty cretonne. She was tired.

پرویز داریوش:

اولین کنار پنجره نشسته بود و غروب را تماشا میکرد که به کوچه هجوم آورده بود. سرش به پشت دری‌ها تکیه داشت و در منحنین او بوی پرده ی خاک آلود پیچیده بود اولین خسته بود.

نادر شیخ زادگان:

کنار پنجره نشسته بود. هجوم شب به خیابان را تماشا می‌کرد. سرش را به پرده تکیه داده بود. بوی خاک آلود آن را حس می‌کرد و خسته بود.

Few people passed. The man out of the last House passed on his way home.

داریوش:

چند نفری گذشتند، مردی که از آخرین خانه این کوچه بیرون مانده بود به سوی خانه خود می‌رفت.

آقای شیخ زادگان:

به ندرت کسی می‌گذشت، مردی که در آخرین خانه زندگی می‌کرد به خانه اش می‌رفت.

She heard his footsteps clacking a long the concrete pavement and afterwards crunching on the cinder path before the new red House.

داریوش:

اولین صدای پای او را در طول پیاده رو اسفالت شده می‌شنید تا به کوره راه سیاه‌رنگ مقابل خانه‌های سرخ رنگ رسید.



## تحلیل ترجمه های کتاب دو بلینی با بر اساس مدل هوس ۱۵۱۱۱۱

شیخ زادگان:

صدای پایش اول روی پیاده رو سیمانی و بعد روی پیاده رو زغالی جلوی خانه های قرمز نوساز شنیده شد.

در این قسمت آقای داریوش تحت اللفظی ترجمه کردند و به کلمه New توجه نکردند.

### نتایج مقاله

در مقایسه ترجمه ها متوجه می شویم که شیخ زادگان بسیار امروزی ترجمه کرده در حالی که پرویز داریوش از ترجمه کلمه به کلمه استفاده کرده است.

لحن و سبک پرویز داریوش قدیمی است و کلمه هایی که استفاده کردند برای زمان حال نیست ولی شیخ زادگان امروزی تر ترجمه کرده است.

به طور کلی در ترجمه کتاب های با داستان کوتاه ترجمه به سبک overt بسیار دیده می شود زیرا لحن نوشتن روان است، گویی که ترجمه نشده و در زبان مقصد متن اصلی است.

آقای شیخ زادگان بسیار از این روش برای ترجمه استفاده کرده، در حالی که آقای داریوش از ترجمه overt استفاده کرده و سعی داشته تحت اللفظی ترجمه کند.

۱۱۵۲ // فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و سوم

### کتابشناسی

- احمدی، بابک. (۱۳۸۰ش). **ساختار و تأویل متن**، تهران: نشر مرکز.
- احمدی، بابک. (۱۳۸۴ش). **حقیقت و زیبایی**، تهران: نشر مرکز.
- جویس، جیمز. (۱۳۷۲ش). **دوبلینی‌ها**، ترجمه محمدعلی صفریان و صالح حسینی، تهران: انتشارات نیلوفر.
- ریکور، پل. (۱۳۷۳ش). **زندگی در دنیای متن**، ترجمه بابک احمدی، تهران: نشر مرکز.
- سلدن، رمان و پتر ویدوسون. (۱۳۷۷ش). **راهنمای نظریه ادبی معاصر**، ترجمه عباس مخیر، تهران: انتشارات طرح نو.
- نوبخت، فرشته. (۱۳۸۸ش). «**جیمز جویس و جادوی ادبیات**»، مجله ادبی هیجستان، شماره ۹۷، صص ۴۷-۵۵.
- واعظی، احمد. (۱۳۸۰ش). **درآمدی بر هرمنوتیک**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- هدایت، صادق. (۱۳۴۲ش). **زنده بگور**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- یاس و ایزر. (۱۳۸۷ش). «**نظریه دریافت**»، بهمن نامور مطلق، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، شماره ۱۱، صص ۹۳-۱۱۱.
- Bennett, Susan. (1990). *Theatre Audiences: A Theory of Production and Reception*. London: Routledge.
- Harold Brodbar, (1961). A religious allegory: Joyce's "A Little Cloud", *Midwest Quarterly*. Vol.2. no.3. Pp.221-7.
- Iser, Wolfgang. (1978). *The Act of Reading: A Theory of Aesthetic response*. Baltimore: Johns Hopkins UP.
- Nash, John. (2010). *James Joyce and the Act of Reception: Reading, Ireland, Modernism*. England: Cambridge Publication.
- Stein, William B. (1963). *The Effects of Eden in Joyce's Eveline*. *Renascence*, XV.
- Schleiermachers, Sh. (1993). *The Problems of Language in Schleiermacher's Hermeneutics*. Baltimore: Johns Hopkins UP.